

مدلی مناسب برای زبان آموزش دانشگاهی در ایران در جهت بین‌المللی شدن: نظریه برپایه^۱

نسرین اصغرزاده^{۲*} و اباصلت خراسانی^۳

چکیده

جهانی شدن تغییرات زیادی را در نهادهای مختلف به وجود آورده و به دنبال آن بین‌المللی شدن موجبات رشد و ترقی نظام‌های آموزشی را فراهم کرده است. ضرورت و لزوم بین‌المللی شدن آموزش عالی امروزه در کشور ما هم احساس و این مهم در برنامه توسعه ششم دولت گنجانده شده است. تجارب کشورهای پیشرو نشان می‌دهد که استفاده از زبان واسط همزمان با بین‌المللی شدن آموزش عالی نقش مهمی در موفقیت و تسریع این پدیده دارد. این درحالی است که استفاده از زبان واسط در آموزش عالی ایران منع قانونی دارد. در این پژوهش تلاش شد تا با نمونه‌گیری هدفمند و مراجعه به صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی آموزش عالی با روش نظریه برپایه مدل مناسبی برای زبان آموزش دانشگاهی در ایران در خصوص بین‌المللی شدن ارائه شود. در این مدل دلایل نیاز به استفاده از زبان واسط، عوامل و موانع موجود، راهبردها و پیامدهای آن ارائه شده است. نتایج به دست آمده از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با ۲۸ صاحب‌نظر و مطلع کلیدی به ارائه این مدل ۱۳ عاملی انجامید که پدیده اصلی آن خیزش و ارتقا کشف شد؛ بدین معنا که تکثر زبان آموزش علم موجبات خیزش و ارتقای نظام آموزش عالی ایران را در پی خواهد داشت.

کلید واژگان: بین‌المللی شدن، زبان آموزش دانشگاهی، نظریه برپایه، مدل مطلوب.

مقدمه

پدیده بین‌المللی شدن آموزش عالی با بیش از سه دهه قدمت در دنیا منافع و مزایای زیادی را برای کشورهای پیشرو در پی داشته است و اکنون کشورهای در حال توسعه نیز به این سیر پیوسته‌اند و در حال رقابت با آنها هستند. در کشور ما در برنامه ششم توسعه به این مهم پرداخته شده و وزارت علوم، تحقیقات

۱. این پژوهش با حمایت مالی و علمی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی انجام شده است.

۲. دکترای برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: N_Asgharzadeh@sbu.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران: drkhorasanitr@gmail.com

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۴/۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۸/۱۱

و فناوری برنامه‌هایی را برای اجرای آن دارد. این در حالی است که بین‌المللی شدن عوامل و چالش‌هایی دارد که شناخت آنها می‌تواند مسیر را هموارتر سازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از عواملی که نقش کاتالیزور و مهم در بین‌المللی شدن آموزش عالی کشورهای غیرانگلیسی زبان دارد، بحث زبان آموزش علم است (Wächter & Maiworm, 2014; Graddol, 1997; Kirkpatrick, 2011a).

کشورهای غیرانگلیسی زبان همزمان با اجرای فرایند بین‌المللی شدن، از زبان واسطه به‌عنوان ابزار آموزش علم استفاده کرده‌اند و این موضوع روند اجرا را تسریع و موجبات رشد و ترقی سریع مراکز آموزش عالی را فراهم و اهداف تعیین شده را محقق کرده است (Hudzik, 2011). اما مذاقه اسناد بالادستی در ایران نشان داد که از نظر قانونی، زبان آموزش علم فقط فارسی است و استفاده از زبان واسطه در آموزش منع قانونی دارد و شورای عالی انقلاب فرهنگی مانع استفاده از زبان واسطه در آموزش است. این درحالی است که طبق مطالعات انجام شده در اسناد فرادستی مرتبط با آموزش عالی و نیز سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه برای حضور و رقابت در جامعه جهانی نیازمند بین‌المللی شدن است. همچنین با بررسی برنامه ششم توسعه شاهد آن هستیم که یکی از مهم‌ترین محورهای حوزه آموزش عالی "بین‌المللی شدن" است. با توجه به اشباع آموزش عالی کشور، اکنون دولت ضرورت بین‌المللی شدن دانشگاه‌های دولتی را مد نظر قرار داده است.

مهرداد (Mehrad, 2010) با اشاره به پیش‌بینی افزایش تعداد دانشجویان کشورهای جهان تا سال ۲۰۲۵ معتقد است تعداد دانشجویانی که خارج از مرزهای خود به تحصیل مشغول خواهند بود، سه برابر خواهد شد. به گفته وی علی‌رغم تسلط کشورهای انگلیسی زبان بر بازار آموزش عالی، در حال حاضر کشورهای مانند سنگاپور، مالزی، تایلند و کشورهای خاورمیانه ظرفیت دانشگاه‌های خود را برای جذب دانشجویان خارجی افزایش داده‌اند. وی معتقد است در میان کشورهای خاورمیانه، ایران به‌عنوان کشوری بزرگ و با سابقه کهن در آموزش عالی دارای دانشگاه‌هایی با پتانسیل‌های علمی زیاد است و برای دورنماندن از عرصه‌های بین‌المللی آموزش عالی به گفته وزیر علوم باید بین‌المللی شدن را در دستور کار خود قرار دهند. فراستخواه (Farasatkah, 2014) در بیان اهمیت بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها با اشاره به اینکه آموزش عالی نیازمند دستی‌نامری برای کیفیت است که وی این دست‌نامری را هوش کیفیت نامیده که از جنس هوش اجتماعی و نوعی هوش عملی است، توضیح می‌دهد که هوش کیفیت در چهار سطح خرد، میانی، کلان و بسیار کلان طبقه‌بندی می‌شود. هوش کیفیت در زمینه خرد شامل دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان و مدیران، در زمینه میانی شامل دانشکده و دانشگاه، در زمینه کلان شامل سیاست‌گذاری و سیاست‌گزاری و در زمینه بسیار کلان شامل حوزه بین‌المللی می‌شود. وی تصدیق می‌کند که اگر دانشگاه‌ها بین‌المللی شوند، کیفیت آنها ارتقا می‌یابد.

از آنجا که توسعه آموزش عالی و بین‌المللی شدن در رشد و توسعه کشور اهمیت انکارناپذیری دارد و در مصوبات قانونی و اسناد فرادستی به‌عنوان یک اولویت به تصویر کشیده شده، با توجه به منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران، چگونگی دستیابی به این مهم نیازمند بررسی است. اصغرزاده و همکاران

(Asgharzadeh, Khorasani & Farasatkah, 2017) در پژوهشی پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران را بررسی کردند. نتایج نشان داد درحالی که پیامدها به دو دسته پیامدهای مثبت و منفی تقسیم می‌شوند، از میان پنج پیامد به‌دست آمده، حفظ زبان و هویت ملی به‌عنوان تنها پیامد مثبت ذکر شده است. پژوهشگران در تحلیل یافته‌ها اذعان دارند که این پیامد هم با بین‌المللی شدن قابل دستیابی است و تنها راه حفظ زبان و هویت ملی کشور به انحصار درآوردن زبان آموزش نیست و با اشاره به نایت (۲۰۰۸) که حفظ هویت ملی را یکی از دلایل اصلی بین‌المللی شدن می‌داند و نایت و دی‌ویت (Knight & Wite, 1997, p. 5) که "بین‌المللی شدن را راهی برای تقویت و ترویج هویت ملی می‌دانند"، بر این باورند که برخلاف باور عموم، این پدیده راهی برای ترویج و گسترش فرهنگ و هویت ملتها و کشورهای مختلف است.

حوزیک (Hudzik, 2011) اذعان دارد با آنکه بین‌المللی شدن و استفاده از زبان واسطه دو ابزار مستقل هستند، از ترکیب این دو ابزار مستقل سینرژی به وجود می‌آید که رشد سریع مراکز دانشگاهی را به همراه خواهد داشت. کریستال (Crystal, 2003 a)، زبانشناس صاحب‌نام معاصر، دوزبانه شدن را حلقه مفقوده نیاز به حفظ هویت ملی، فرهنگی و زبانی در مقابل نیاز به درک متقابل می‌داند.

در پژوهشی دیگر که درباره مطالعه تطبیقی میان کشورهای اروپایی با هدف شناسایی تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسطه آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاهها انجام شد، نتایج نشان داد که در کشورهای غیرانگلیسی زبان استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسطه آموزش، عامل و ابزار مهمی در بین‌المللی شدن آموزش عالی در دنیاست و موجب افزایش رتبه دانشگاه، تسلط مردم آن کشور به زبان بین‌المللی، افزایش رتبه پژوهشهای علمی، بالا رفتن جذب دانشجوی بین‌المللی، پیشرفت در همکاریهای بین‌المللی و حمایت از زبان ملی آن کشور است (Asgharzadeh & Khorasani, 2016). لذا، با استناد به پژوهشهای مذکور که نشان می‌دهد منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران پیامدهای منفی به دنبال دارد و نیز بررسی تجربه کشورهای پیشرو غیرانگلیسی زبان در پدیده بین‌المللی شدن و میزان اهمیت استفاده از زبان واسطه آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاهها، پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی مناسب برای زبان آموزش دانشگاهی در ایران به‌منظور بین‌المللی شدن صورت گرفت تا بتوان با بهره‌گیری از نظر متخصصان و صاحب‌نظران داخلی راهبردهای مناسب این مسیر و پیامدهای آن را شناسایی کرد.

پیشینه پژوهش

انارد و همکاران (Henard, Diamond & Roseveare, 2012, p. 8) در خصوص مزایای بین‌المللی شدن معتقدند که بین‌المللی شدن مانند خیابان دو طرفه‌ای است که هم دانشجویان و هم دانشگاهها می‌توانند به اهداف خود برسند؛ یعنی دانشجویان می‌توانند آموزش با کیفیت داشته باشند و پژوهش را دنبال

کنند و برای دنیای واقعی آموزش تجربی ببیند و آماده شوند که این امر به سادگی قابل تدریس نیست. از سوی دیگر، دانشگاهها می‌توانند به شهرت جهانی دست یابند و در جامعه آموزش عالی جهانی جایگاه و موقعیت ثابتی کسب کنند و با چالشهای مرتبط با جهانی‌شدن خود را هماهنگ سازند. (Henard et al., 2012, p. 8). گزارش سال ۲۰۱۵ از روند بین‌المللی شدن آموزش عالی اروپا حاکی از آن است که بی‌شک جریان بین‌المللی شدن در حال فزونی است و این به معنای ظرفیت بسیار زیاد برای مؤسسات آموزش عالی کشورهای اروپاست، گرچه نبود پشتوانه مالی و انعطاف‌ناپذیری در چارچوبهای قانونی کشورها موجب تأخیر در توسعه برخی کشورهاست (The European Higher Education Area, 2015, p. 264).

در اروپا این پدیده با تفاهمنامه‌ها و توافقاتی مانند بولونیا پروسس، اراسموس، تمپوس، اراسموس موندوس، ماری کوری و استفاده از تسهیلاتی چون سیستم محاسبه و انتقال واحدهای درسی اروپایی و نیز سیستم چارچوب کیفی اروپایی صورت پذیرفت تا جریان کار سهل‌تر و میسر شود (The European Commission, 2013). همزمان با این تفاهمنامه‌ها، یکی از عوامل مهمی که روند اجرای این پدیده را تسهیل کرد، استفاده از زبان واسط در آموزش بود. این امر نشان‌دهنده اهمیت زبان به‌عنوان یکی از عوامل مهم بین‌المللی شدن است، چرا که با بین‌المللی شدن آموزش عالی در دنیا نیاز به استفاده از زبان بین‌المللی به‌منظور برقراری ارتباطات گسترده با ملل و کشورهای مختلف بیش از پیش ضروری به نظر می‌آید. استفاده از زبان واسط در آموزش عالی کشورهای غیرانگلیسی زبان حدود یک دهه ۱۰۰۰٪ رشد داشته است (Wachter & Maiworm, 2014) و شتاب این رشد در سالهای اخیر نشان‌دهنده اهمیت، تجربه موفق آن و میزان تأثیر این امر در موفقیت آموزش عالی این کشورهاست، ضمن آنکه این رشد فقط در قاره اروپا نبوده است. افزایش چشمگیری از ارائه رشته‌ها با زبان واسط انگلیسی در دانشگاههای کثیری از قاره آسیا مشاهده می‌شود (Kirkpatrick, 2011 b, p. 6). ارائه رشته‌ها با زبان انگلیسی^۴ به‌قدری رشد کرده که کرکپاتریک (Kirkpatrick, 2011 a) تصدیق می‌کند بین‌المللی شدن و استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان آموزش به شکل جداناپذیری در هم تنیده شده‌اند. اکنون صاحب‌نظران زیادی زبان آموزش عالی غالب در دنیا و حاکم‌ترین زبان واسط آموزش در اروپا را زبان انگلیسی می‌دانند و مطالعات و شواهد زیادی حاکی از موقعیت مستحکم‌تر این زبان در آینده است (Brumfit, 2004; Haberland, 2009 & 2011; Crystal, 2000; Ammon & McConnell, 2002). (Coleman, 2006) به نقل از کروزم، انگلیسی را زبان علم می‌داند. به عقیده او اگر در دنیای جهانی شده خواهان آماده کردن دانشجویان خود برای مشاغل بین‌المللی هستیم، باید از این زبان استفاده کنیم. یکی از روندهای مهم جهانی در آموزش، تدریس روزافزون تعداد زیادی از رشته‌های دانشگاهی به زبان انگلیسی است. نیاز به تدریس برخی دروس به انگلیسی به جای زبان ملی به‌خوبی شناخته شده است. در علم

برای مثال، کتابها و مقالات پژوهشی جدید به زبان انگلیسی بسیار قابل دسترس‌تر و آسان‌تر است (Graddol, 1997, p. 45).

با آنکه هر ساله حدود ۳/۱ میلیون دانشجوی دانشگاه‌های کشور چین دانش‌آموخته می‌شوند، فقط کمتر از ده درصد افراد جویای کار این کشور مهارت‌های لازم را برای کار در مؤسسات و شرکت‌های خارجی دارند. اصلی‌ترین نقطه ضعفی که مانع استخدام آنها می‌شود، ضعف مهارت مکالمه به زبان انگلیسی است (Farrell & Grant, 2005). گرادول (Graddol, 2006) اذعان دارد از ۲/۵ میلیون دانش‌آموخته از دانشگاه‌های کشور هند فقط یک چهارم آنها برای بازار کار جهانی مناسب هستند و نبود مهارت مکالمه به زبان انگلیسی عامل مهم پذیرفته نشدن آنان در بازار جهانی است.

نگاهی به گزارش‌های سایت رتبه‌بندی تسلط کشورها به انگلیسی^۵ نشان می‌دهد کشورهای پیشروی که از زبان واسط در آموزش عالی استفاده می‌کنند، غالباً در گروه اول و دوم؛ یعنی بسیار مسلط و مسلط به زبان انگلیسی این گزارش قرار دارند و توانایی و تسلط مردم آنها به زبان انگلیسی بالاست. طبق این گزارش کشور ایران در سال ۲۰۱۳ در گروه کم تسلط قرار داشت، اما در سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ یک رتبه تنزل کرد و در پایین‌ترین گروه؛ یعنی بسیار کم تسلط قرار گرفت که نشان‌دهنده نبود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در این خصوص است.

با در نظر گرفتن این مهم که هر کشوری موقعیت و شرایط خاص و منحصر به فرد خود را دارد، راه‌های توسعه و به‌ویژه توسعه آموزش عالی آن به‌عنوان راهی برای توسعه شاخص منابع انسانی^۶ آن نیز باید در خود آن کشور بررسی و سیاستگذاری شود. از آنجایی که بین‌المللی شدن آموزش عالی به گفته صاحب‌نظران این حوزه قطعاً اجتناب‌ناپذیر است (Altbach & Teichler, 2001, p. 5)، این پدیده در ایران نیز رخ خواهد داد، اما مدلی برای دانشگاهها وجود ندارد که هنگام بین‌المللی شدن خود را با آن وفق دهند. بهترین مدل و رویکرد آن مدلی است که با مأموریتها، ارزشها، روشها و اجرا و نقطه آغازین آن دانشگاه همخوانی داشته باشد (Hudzik, 2013, p. 58). بنابراین برای کشور ما نیز بهترین مدل و رویکرد مدل برخاسته از نظر متخصصان، خبرگان، مدیران و افراد مطلع و آشنا به این حوزه است تا با راهبردهای نیل به وضعیت مطلوب بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران و زبان آموزش علم آشنا شویم.

روش پژوهش

فراستخواه (Farasatkah, 2016) معتقد است که در سه صورت می‌توان از روش نظریه برپایه (گراند تئوری) استفاده کرد: عدم کفایت نظریه، عدم کفایت فرضیه و نیاز به نظریه‌ای متصل و واقعی. پس از بررسی‌ها، نظریه‌ای در خصوص زبان آموزش علم در جهت بین‌المللی شدن ایران یافت نشد. بنابراین، با مشارکت گرفتن از ذینفعان آموزش عالی، تصویری کلی از مسئله خلق شد که این موضوع را به شکل

5. English Proficiency Index

6. Human Development Index

کارآمدی توضیح دهد تا بتوان با روش علمی شواهد مستدلی برای تصمیم‌گیری در این خصوص ارائه داد. ماکارو (Macaro, 2013) سه گروه شامل دانشجویان، سیاستگذاران و استادان دانشگاه را تصمیم‌گیرنده استفاده یا عدم استفاده از زبان واسط در آموزش عالی می‌داند و پیش از برنامه‌ریزی و سیاستگذاری، چگونگی و چرایی استفاده از آن را براساس نظر این ذینفعان توصیه می‌کند.

نمونه‌های این پژوهش از بین ذینفعان آموزش عالی که به شکل عملی یا نظری با موضوع تحقیق ارتباط داشتند، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. با ۲۸ مطلع کلیدی و صاحب‌نظر در چهار سطح مدیران (۱۱ نفر)، استادان دانشگاه (ایرانی و بین‌المللی ۶ نفر)، دانشجویان دوره دکتری (ایرانی و بین‌المللی ۴ نفر) و خبره‌ها و صاحب‌نظران (۷ نفر) به صورت نیمه ساختار یافته و عمیق مصاحبه شد (۱۰ نفر زن و ۱۸ نفر مرد). زمانی که به یافته‌های مصاحبه هیچ داده تازه‌ای اضافه نشد که بتوان ویژگی‌های مقوله را توسعه و بسط داد؛ یعنی داده‌های مشابه از مصاحبه‌ها استخراج می‌شد، اشباع نظری تلقی شد و تعداد نمونه ۲۸ نفر به دست آمد.

در تحلیل مصاحبه‌ها تلاش شد تا با تعمق در نگرش و تجارب ارزشمند مطلعان کلیدی و صاحب‌نظران مفاهیمی بیرون آید. بدین منظور، با مقایسه و تحلیل مداوم و نظام‌مند داده‌ها ابتدا در مرحله کدگذاری باز مفاهیمی شناسایی و عناوینی به آنها داده شد و سپس، در مرحله کدگذاری محوری مفاهیمی که در یک سطح از معنا بودند به شکل خوشه‌های مفهومی شکل دهنده مقولات شدند. از ارتباط بین این مقولات در مرحله کدگذاری انتخابی، نظریه‌ای پدید آمد. گفتنی است که فرایند کدگذاری سه مرحله‌ای غیرخطی و با روش مقایسه مستمر و استفاده از نرم افزار Maxqda بود. رفت و برگشت بین این سه مرحله و بازبینی دایم داده‌ها و جابه‌جایی مقولات و خوشه‌های مفهومی و تغییر شکل مدل موجب پالایش و پیرایش مدل نهایی در طی شکل‌گیری پدیده و کشف نظریه به صورت روشمند شد.

روایی و اعتباریابی پژوهش با روش ارزیابی لینکولن و گوبا (Lincoln & Guba, 1994) بر پایه چهار معیار اعتباربخشی، انتقال پذیری، اعتماد بخشی و تأیید پذیری به شرح زیر صورت گرفت: بررسی فرایند تحلیل و مقوله‌های به دست آمده به کمک دو نفر از مشارکت‌کنندگان به‌عنوان ناظران و اعمال نظرها (کنترل از سوی اعضا) در کدگذاری محوری میزان اعتباربخشی داده‌های پژوهش را افزایش داده است. استفاده از داده‌های غنی و حصول اطمینان از گردآوری طیف وسیعی از دیدگاهها با روش نمونه‌گیری هدفمند مؤید انتقال‌پذیری در این پژوهش است. همچنین مستندسازی همه مراحل کار از جمله ضبط مصاحبه‌ها، جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها، مقوله‌های استنتاج شده از داده‌ها و یادداشتهای پژوهشگر، تفسیرها و تحلیل‌های صورت گرفته و تبادل نظر با هم‌تایان در فرایند پژوهش مؤید ردّ ممیزی و اعتماد بخشی است. همچنین تلاش شد مداخله در توصیف به حداقل رسانده شود تا تأییدپذیری پژوهش بالا رود.

یافته‌ها

تحلیل مصاحبه‌ها به ۱۷۶ کد باز و شناسایی مفاهیم به ۳۲ خوشه مفهومی و در نهایت، تقلیل آنها به ۱۳ کد محوری انجامید. از ارتباط بین این ۱۳ مقوله اصلی و اتصال آنها به ۵ کد انتخابی به‌منظور بیان روابط میان مقولات اصلی مدل شکل ۱ به‌دست آمد. عناصر مدل ارائه شده در شکل ۱ به شرح زیر است:

پدیده اصلی: بررسی سه مرحله کدگذاری و روابط بین مفاهیم، توجه پژوهشگر را به مقولات برآمده از مصاحبه‌ها سوق داد و از مسیر رفت و برگشت بین این مفاهیم و مقولات بود که ذهن محقق به تعبیر مختلفی جلب شد که حول محور پدیده مرکزی مطرح می‌شد. تمام این تعبیر که از دل مصاحبه‌ها ظهور یافته بود، به نوعی سخن از ارتقا و پیشرفت داشت و پژوهشگر را به این اکتشاف رساند که پدیده اصلی "خیزش و ارتقا" است؛ به سخن دیگر، صاحب‌نظران هم‌زبان گفتند که تکثر زبان آموزش علم موجبات خیزش و ارتقای آموزش عالی کشور را در پی خواهد داشت. این خیزش و ارتقا از عوامل علی تا پیامدها دیده می‌شد.

عوامل علی: عوامل و دلایلی را که موجبات اصلی ایجاد یک پدیده هستند، عوامل علی گویند. در پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان معتقد بودند دلیل اصلی برای تکثر زبان آموزش علم در دانشگاهها نیاز به ارتقا و بهره‌وری در چهار بعد به شرح زیر است:

۱. نیاز به ارتقا و بهره‌وری آموزشی و پژوهشی. یافته‌ها حاکی از آن است که نیاز به ارتقا و بهره‌وری آموزشی و پژوهشی بدین دلایل اولویت دارد: اهمیت استفاده از زبان واسط علم به‌عنوان مؤلفه و ابزار مهم بین‌المللی شدن، ضرورت استفاده از انباشت علم و دستاوردهای جهانی، تسلط به زبان بین‌الملل به‌عنوان مبنای دانش و پیش‌نیاز تولید علم، اجرای مأموریت گستره دانش در تبادل و تولید علم، ناتوانی در پوشش دادن تمام علوم به زبان فارسی و نواقص در کتب ترجمه شده، ارتقای تراز بین‌المللی دانشگاهها، انتخاب موضوعات جدید پژوهشی با توجه به نیازهای بین‌المللی و اجرای آنها؛ پیشرفت سریع جهانی و نیاز به حرکت هماهنگ و همسو با جامعه بین‌الملل، کمک به رشد و توسعه یافتگی کشور و ممانعت از آغاز پژوهشهای علمی از نقطه صفر.

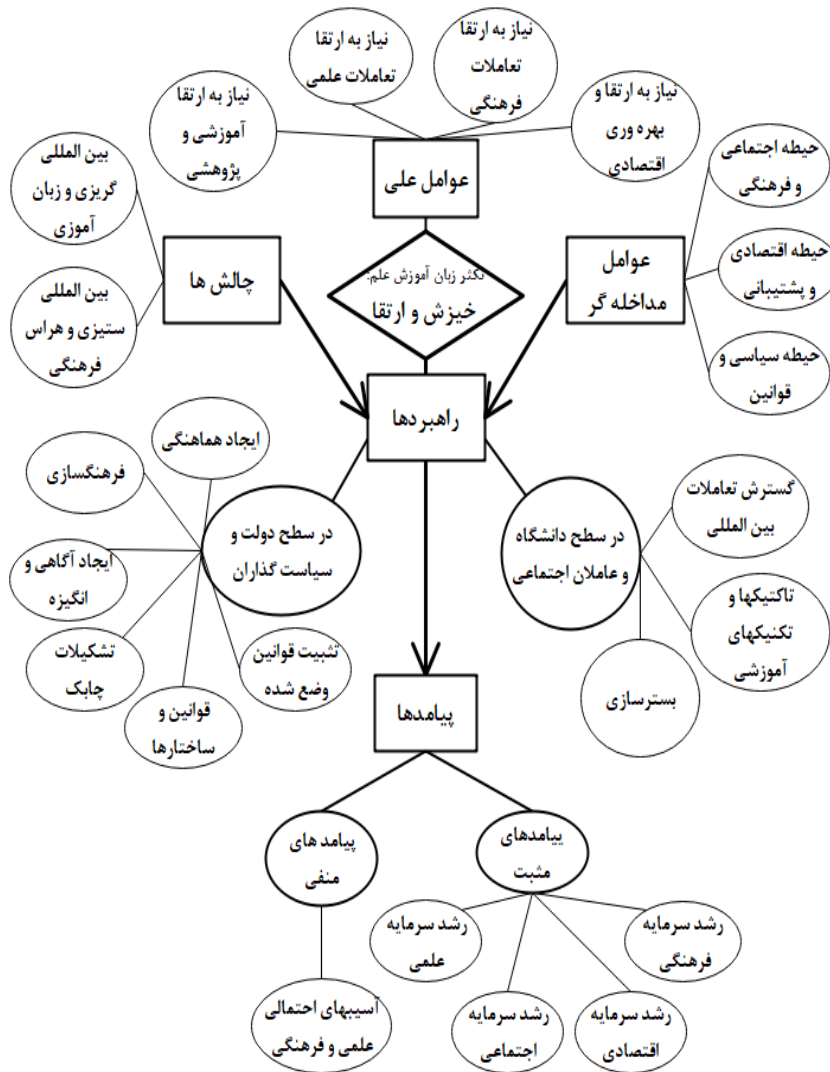
یکی از مؤلفه‌های مهم بین‌المللی شدن که نقش ابزاری و کلیدی دارد، استفاده از زبان واسط در آموزش علم است. مشارکت‌کنندگان استفاده از زبان واسط در علم را از این نظر ضروری می‌دانستند که ابزاری مهم برای ارتقا و بهره‌وری در علم است، چرا که ما را به پیشینه‌های پژوهشی و دستاوردهای جدید متصل می‌کند. مصاحبه شونده شماره ۱۲ در این خصوص گفت: "لازمه و سازکار بین‌المللی شدن به هر حال ارتباطات است". وی با اشاره به نقش زبان به‌عنوان ابزار ارتباطی از لزوم استفاده از زبان واسط در آموزش در جهت بین‌المللی شدن دفاع کرد. یک مقام عالی وزارت علوم (شماره ۲۲) اذعان داشت: "همیشه معتقد بودم که ما چه در حوزه علم و فناوری و چه در حوزه اقتصاد چه در حوزه فرهنگ واقعاً باید وارد عرصه‌های جهانی و بین‌المللی شویم و نقطه شروع هم همین بحث زبان است. برای اینکه من حتی بعضاً تجربه

دارم و حتماً شما هم برخورد کردید که حتی اگر ما می‌خواهیم روابط اقتصادی خوبی با یک کشور داشته باشیم، باز نقطه شروعش زبان است". شرکت کننده شماره ۲۱ که عضو هیئت علمی است، بستر انتقال را زبان می‌داند و از آن به‌عنوان وسیله ارتباط در بین‌المللی شدن یاد می‌کند. صاحب‌نظر شماره ۱۰ (از مقامات عالی وزارت علوم) افزود: "ورود ما به عرصه بین‌المللی از نظر زبان به زبانهای بین‌المللی از جمله انگلیسی یا عربی یا زبانهای مصوب دیگر مثل فرانسه و آلمان یا حتی اسپانیولی اجتناب ناپذیر است، اگر قرار است به‌خصوص همکاری‌های بین‌المللی ما گسترش پیدا کند". یکی از مدیران دانشگاهی (شماره ۱۹) با تأیید این مطلب گفت: "برای اینکه همکاری مشترک داشته باشی و بتوانی داعیه علمی خودت را به دنیا بزنی، باید به یک زبان بین‌المللی این را ترجمه کنی. پس باید تسلط داشته باشی، چون مترجم که نمی‌تواند حرف و ادعای تو را بزند. او سعی می‌کند و چقدر در این تلاش موفق است، بماند. چون همه می‌دانیم نتیجه اصلاً دلخواه نیست و تسلط خود فرد به زبان انگلیسی کار را متفاوت می‌کند".

۲. نیاز به بهره‌وری اقتصادی. مشارکت کنندگان نیاز به بهره‌وری اقتصادی را به دلایلی همچون درآمدزایی و استقلال دانشگاهها، کاهش هزینه تحقیقات علمی، تکراری نشدن پژوهشها و آزمایشهای علمی، جلوگیری از تقلیل مراکز آموزش عالی و تعدیل و ریزش استادان و ایجاد تعادل متقاضیان ورود به دانشگاه با توجه به مشکل صندلی‌های خالی از دیگر عوامل اصلی تکثر زبان آموزش علم می‌دانستند.

۳. نیاز به ارتقای تعاملات علمی. دلایل نیاز به ارتقای تعاملات علمی بدین شرح است: اهمیت تسلط به ابزار زبان بین‌الملل در دیپلماسی و مراودات علمی، پایین بودن میزان جذب استاد و دانشجوی بین‌الملل، نیاز به بین‌المللی شدن آموزش عالی به دلیل پدیده جهانی‌شدن، انجام دادن تعهد علمی، دینی و انسانی در نشر و گسترش علم، شرکت در رقابتهای علمی منطقه‌ای و بین‌المللی و خلق فرصتهای جدید و پویایی محیط علمی.

۴. نیاز به ارتقای تعاملات فرهنگی. یافته‌ها نشان داد که اهمیت نیاز به ارتقای تعاملات فرهنگی به دلایل زیر است: ترویج زبان فارسی در میان کشورها، تقویت فرهنگ تساهل و تسامح و دگرپذیری، تأثیر مثبت علمی و فرهنگی بر کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی و آموزش سفیران زبان و فرهنگ فارسی و گسیل آنها.



شکل ۱- مدل تکثر زبان آموزش علم در ایران بر اساس نظریه برپایه

عوامل زمینه‌ای: عوامل زمینه‌ای به عواملی که از جنس پدیده هستند گفته می‌شود. کرسول (Creswell, 2012) شرایط زمینه‌ای را شرایط خاصی می‌داند که بر راهبردها اثر می‌گذارد و به دو چالش اصلی و مهم زیر تقسیم می‌شوند:

الف. چالش بین‌المللی‌گریزی و زبان‌آموزی: مشارکت کنندگان مواردی همچون ضعف و کاستی‌های سیستم آموزش زبان، ناهماهنگی در سیاستگذاری و اجرا، کمبود ظرفیت و قابلیت و بین‌المللی‌گریزی و زبان‌هراسی را از دلایل مهم چالش بین‌المللی‌گریزی و زبان‌آموزی می‌دانند.

هرکدام از مقولات فرعی مذکور دارای زیرمقولاتی هستند که زیرمقولات ضعف و کاستی‌های نظام آموزش زبان بدین شرح است: تسلط کم جامعه علمی به زبان انگلیسی، چرخه باطل آموزش زبان مدارس با خروجی ناچیز، کمبود ساعات و واحدهای تدریس زبان در مدارس و دانشگاه، محدودیت‌های مالی و اقتصادی، نبود برنامه‌ریزی جامع و سیستم آموزش زبان فارسی برای دانشجویان خارجی، تأخیر در شروع آموزش زبان انگلیسی در مدارس (پس از اتمام دبستان)، محدودیت زمانی و کاهش فراگیری زبان در دانشگاه، کم‌اهمیتی و اولویت ثانوی آموزش زبان خارجی، تسلط کم معلمان زبان به مهارت‌های چهارگانه، تبیین نشدن فلسفه و هدف از زبان‌آموزی و برنامه آموزش زبان نامتعطف.

یکی از مدیران سطح یک دانشگاهی (شماره ۶) با تصدیق تسلط کم جامعه علمی به زبان انگلیسی گفت: "کلاً ایرانی‌ها ضعیف هستند. تک و توک خوب داریم. من با پوست و استخوانم این را می‌بینم. من دارم اطلاعات واقعی به شما می‌دهم". یکی دیگر از مدیران سطح سه دانشگاهی (شماره ۴) با تایید مطلب افزود: "اساتیدی را در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات می‌شناسم که اساتید مخترعی هستند که ثبت اختراع دارند، ولی وقتی می‌خواهند در یک سمینار بین‌المللی شرکت کنند، به دلیل مشکل زبانی پوستری می‌گذارند و حتی نمی‌توانند جواب بازدیدکننده‌ها را بدهند. خوب مخترع ما یا پزشک ما نمی‌تواند پژوهش عظیم خودش را به دنیا نشان بدهد".

چرخه باطل آموزش زبان مدارس با خروجی ناچیز یکی دیگر از زیرمقولات با بسامد بالاست. در این خصوص خبره شماره ۱ اذعان داشت: "فاجعه آنجاست که شما برای یادگیری زبانی سالهای سال وقت صرف می‌کنی. مثلاً طرف هفت سال انگلیسی یا عربی می‌خواند، اما خروجی اینکه چی بلده هیچی. اون چرخه باطل به نظرم همین نکته است".

از نظر مشارکت کنندگان زیرمقولات ناهماهنگی در سیاستگذاری و اجرا بدین شرح است: ناهماهنگی بین وزارتخانه‌ها و مشکل اخذ ویزا، اقامت و...، نگاه خرد و موقتی به سیاستگذاری و اجرا، محدودیت مدیران دانشگاه در برنامه‌ریزی و اجرا، همکاری کم رسانه‌ها برای آموزش زبان هدفدار و گسترده، ناهمخوانی در جذب، استخدام و ارتقای استادان بین‌الملل، گسست در روابط میان دولت و جامعه علمی، تعیین نشدن مدیر تصمیم‌گیر برای عقد تفاهمنامه با کشورهای دیگر از سوی دانشگاه، وجود پارادوکس بین زبان درسی و زبان کاربردی و تناقض بین هدف و اجرا.

از زیرمقولات کمبود ظرفیت و قابلیت می‌توان به سطح تسلط اندک و بسندگی پایین استادان رشته‌های تخصصی به زبان بین‌الملل، نبود ظرفیت و قابلیت در همه دانشگاه‌های کشور و انبوه سازی و کمیت‌گرایی آموزش عالی ایران اشاره کرد.

زیرمقولات بین‌المللی‌گریزی و زبان هراسی شامل جذابیت اندک آموزش عالی ایران به دلیل منحصر بودن زبان آموزش علم، زبان هراسی و دغدغه ناتوانی در یادگیری زبان خارجی و همکاری محدود جامعه علمی ایران با جامعه جهانی است.

مطالعات کلیدی جذابیت اندک آموزش عالی ایران به دلیل منحصر بودن زبان آموزش علم را یکی از چالش‌های بین‌المللی شدن می‌دانند و معتقدند از آنجایی که در بیشتر علوم، ما تولید کننده یا قطب علمی آن علم نیستیم، ارائه آن رشته‌ها به زبان فارسی نیز مزید بر علت می‌شود و دانشجویان بین‌المللی رغبت کمی برای ادامه تحصیل در ایران نشان می‌دهند. یکی از اعضای هیئت علمی بین‌الملل (شماره ۲۵) که از نزدیک با این مسئله سروکار دارد، افزود: "در حال حاضر فکر نمی‌کنم دانشجویان بین‌الملل رغبتی برای آمدن به ایران داشته باشند. کشورهای همسایه مثل لبنان و عراق تمایل نشان می‌دهند، اما آموزش با زبان فارسی یکی از موانع تصمیم‌گیری آنهاست". یکی از دانشجویان بین‌الملل (شماره ۲۷) نیز در خصوص میزان تمایل دانشجویان بین‌الملل به ادامه تحصیل در ایران گفت: "بسیار نامحتمل است. دانشجوی بین‌الملل همیشه به دنبال ادامه تحصیل با زبان واسط انگلیسی است". ب. چالش بین‌المللی‌ستیزی و هراس فرهنگی: مشارکت کنندگان مواردی همچون هراس فرهنگی از بین‌المللی شدن، پذیرفته نشدن تفاوت فرهنگی و تلاش برای یک‌شکل کردن، دغدغه حفظ زبان فارسی به عنوان هویت فرهنگی و ملی، حس خودبرتربینی و خودمحوری و ایزوله شدن دانشجویان بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران را از دلایل مهم چالش بین‌المللی‌ستیزی و هراس فرهنگی مطرح کردند.

هراس فرهنگی از بین‌المللی شدن یکی از زیرمقولات پربسامد استخراج شده در این پژوهش است. یکی از اعضای هیئت علمی (شماره ۲۰) در این خصوص اذعان داشت: "اینکه می‌گویند بیگانه را راه ندهید ال می‌کنند. ای وای آمدند بدزدند، خراب کنند و از بین ببرند، فلان کنند، ما را تخریب کنند. مرز ارتباطی اصلاً هر خارجی مساوی با جاسوس است و این در دید آنها خارجی هم یک موجود مهلکی است، یک هراس و ستیز راه میندازد. درست است که سابقه تاریخی گذشته ما از ۲۲ مرداد گرفته تا به امروز سوابقی دارد که خارجی‌ها به ما جفا کردند، ولی خارجی هراسی یک بحث دیگر است و یک ترس بیمارگونه است. واقعاً بیشترین واژه‌ای که در مورد این تیپ به کار می‌رود، اینها بیشتر بین‌المللی‌ستیز هستند". خبره و صاحب‌نظر دیگری (شماره ۱) چنین گفت: "این عامل هراس فرهنگی است که مانع گسترش زبان می‌شود".

عوامل مداخله‌گر: اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) شرایط مداخله‌گر را حوادث و اتفاقاتی می‌دانند که اثر شرایط علی را کاهش یا تغییر می‌دهند؛ به بیان دیگر، این عوامل از جنس محیط هستند و کم و زیاد شدن این عوامل بر راهبردها اثر می‌گذارد. عوامل مداخله‌گر در تکثر زبان آموزش علم به شرح زیر است:

۱. حیطه اقتصادی و پشتیبانی: حمایت‌های مالی، پشتیبانی و تعامل در حوزه آموزش عالی. یافته‌ها نشان داد زیرمقولات این حیطه در حوزه حمایت‌های مالی به شرح زیر است: منابع مالی برای اجرای بین‌المللی شدن و تکثر زبان آموزش علم، مصوب پرداختی برای فرصت مطالعاتی، تأثیر ثبات قیمت ارزهای خارجی در توافقات بین‌المللی علمی، میزان پرداخت حق‌الزحمه استاد بین‌الملل و تکثر زبان آموزش علم. زیر مقولات این حیطه در حوزه پشتیبانی و تعامل در حوزه آموزش عالی شامل موارد زیر است: جذابیت علمی ایران برای کشورهای دیگر، میزان علاقه و همکاری کنشگران علم، همبستگی میان دستاوردهای علمی و توسعه کشور، میزان تعاملات بین دانشگاه‌های داخلی و خارجی، جذب و کارایی پیشروان علم در دانشگاه و صنعت و حمایت مراکز فرهنگی و سفارتخانه‌ها در خارج از کشور.

حمایت مالی و تأمین منابع مالی برای اجرا از عوامل مداخله‌گر مهمی است که در فرایند بین‌المللی شدن و تکثر زبان آموزش علم تأثیرگذار است. اختصاص بودجه کافی با توجه به هدف از بین‌المللی شدن و تعیین شهریه معقول که از یک سو هزینه‌ها را پوشش دهد و از سوی دیگر، در مقایسه با کشورهای همسایه بتواند وارد رقابت شود، بسیار اهمیت دارد. یکی از اعضای هیئت علمی بین‌الملل (شماره ۲۶) با تأیید این مطلب اذعان داشت: "اگر شهریه کاهش پیدا کند، تعداد دانشجویان بین‌الملل افزایش می‌یابد، چون هزینه زندگی در ایران و شهریه‌ها بالاست و فقط تعداد اندکی از دانشجویان بین‌الملل قادر به پرداخت هزینه‌ها هستند".

به عقیده مطلعان کلیدی اگر آموزش عالی ایران تلاش کند در برخی از رشته‌ها به مرجعیت علمی برسد و به قطب علمی تبدیل شود، دارای جذابیت علمی خواهد شد. اما به بیان یکی از اعضای هیئت علمی (شماره ۲۰) "ما چه توقع داریم از دانشجوی بین‌الملل که بیاید در ایران دو سال زبان ما را یاد بگیرد و بعد شروع کند به یادگیری علوم. تازه علمی که واقعاً ما در آن خیلی پیشرفته نیستیم و ما خودمان داریم از آنها استفاده می‌کنیم. بنابراین همین است و بدتر از این هم می‌شود".

۲. حیطه سیاسی و قوانین: قانون و سیاست در حوزه علم و متمرکز بودن و استقلال دانشگاهها. یافته‌ها زیرمقولات حوزه قانون و سیاست در حوزه علم را بدین شرح نشان داد: حمایت قانون از زبانهای خارجی به‌عنوان زبان آموزش علم، تسهیل سازی برای جذب دانشجو و استاد خارجی، ساختار و زیرساخت در بین‌المللی شدن، تبیین سیاستهای کلان و میزان ثبات در قوانین و آیین‌نامه‌ها. زیرمقولات حیطه متمرکز بودن و استقلال دانشگاهها نیز استقلال دانشگاهها در تصمیم‌گیری و متمرکز بودن مصوبات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

۳. حیطه اجتماعی و فرهنگی: فرایند اجرا و دیوانسالاری اداری و منش و رفتار علمی. مشارکت کنندگان معتقد بودند که در حیطه اجتماعی و فرهنگی زیرمقولات حوزه فرایند اجرا و دیوانسالاری اداری شامل سازکارهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی، مهارت و تجارب کارکنان، دولتی بودن فرایند، تبیین سیاستهای اجرایی و اطلاعات کافی و به‌روز است.

در حوزه منش و رفتار اجتماعی نیز هدفدار بودن چرخه ورود و خروج دانشگاه، علم آموزی جایگزین مدرک‌گرایی، میزان دانش و سواد علمی دانشجویان، انگیزه یادگیری زبانهای بین‌المللی علم به‌عنوان ابزار تحصیل علم و میزان انعطاف در برابر تغییر از زیرمقولات این حیطه است.

راهبردها: راهبردهایی که در تکرر زبان آموزش علم اثر می‌گذارند به دو حیطه اصلی و مهم راهبردهای سطح دولت و سیاستگذاران و راهبردهای سطح دانشگاه و عاملان اجتماعی تقسیم می‌شود.

الف. راهبردها در سطح دولت و سیاستگذاران. راهبردهای سطح دولت و سیاستگذاران از نظر مطلعان کلیدی و صاحب‌نظران به پنج مقوله فرعی فرهنگ سازی، راه‌اندازی تشکیلات چابک، ایجاد هماهنگی، تغییر در قوانین و ساختارها و ایجاد آگاهی و انگیزه تقسیم می‌شود. هر کدام از این مقولات فرعی نیز به زیرمقولاتی تقسیم می‌شوند. مهار هراس فرهنگی با بسامد بالا از راهبردهای این مقوله است، زیرا برخی بر این باورند که بین‌المللی‌شدن آموزش عالی به معنای از بین رفتن فرهنگ و زبان ملی است و برخی دیگر بین‌المللی‌شدن را تهاجم فرهنگی می‌دانند. این باورها همگی نوعی هراس ایجاد کرده که نیازمند مهار است. اگر هراس فرهنگی مهار شود، راهبردی به‌منظور تکرر زبان آموزش علم خواهد بود. یکی از خبره‌ها (شماره ۲۲ از مقامات عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در این زمینه گفت: "به نظر من مهم‌ترین راهش همین زمینه فرهنگی است. به نظر من زدودن تفکرات غلط و باورهای غلط و این چیزهاست، و الا به نظر من هیچ مانع خاصی ندارد".

مطلعان کلیدی بر این باورند که در سالهای گذشته به دلایل مختلف از جمله مسائل سیاسی، برخی رسانه‌ها و کشورهای خارجی موجی از ایران‌هراسی به‌راه انداخته‌اند و در نتیجه این تبلیغات واهی احساس ناامنی میان شهروندان آنها به وجود آمده که مانعی برای انتخاب کشور ایران برای تحصیل است. مهار ایران‌هراسی در خارج از مرزها و ایجاد احساس امنیت یکی از راهبردهای لازم است. یکی از دانشجویان بین‌الملل (شماره ۲۷) افزود: "گام مهم بعدی به‌دست آوردن ذهنیت و تصویر بین‌المللی خوب و معتبر است".

ب. در سطح دانشگاه و عاملان اجتماعی. راهبردهای سطح دانشگاه و عاملان اجتماعی به سه مقوله فرعی بسترسازی، تاکتیکی‌تها و تکنیکهای آموزشی و گسترش تعاملات بین‌المللی تقسیم می‌شود. از راهبردهای سطح دانشگاهها و عاملان اجتماعی تعیین دوره‌هایی به‌منظور تقویت زبان بین‌الملل استادان رشته‌های تخصصی است. این امر موجب افزایش تعامل و تسلط استادان دانشگاه به زبان بین‌الملل می‌شود و در نتیجه، روند بین‌المللی‌شدن سهولت می‌یابد. یکی از مدیران گروهها (مشارکت کننده شماره ۴) با تأیید این

مطلب اذعان داشت: " باید نیرو تربیت کنیم و از دانشکده‌های زبان نیرو به کار بگیریم. یک سری هم از خارج می‌آیند و اگر فرصت شغلی باشد، می‌توانند بپیوندند."

پیامدها: اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbin, 1998) معتقدند اتخاذ راهبردها به پیامدهایی منجر می‌شود که ممکن است مد نظر باشد یا برعکس؛ به بیان دیگر، راهبردهای در نظر گرفته شده ممکن است به پیامدهای مثبت یا منفی ختم شود. پیامدهایی که در تکرار زبان آموزش علم رخ می‌دهند به دو حیطه اصلی و مهم پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی تقسیم می‌شوند.

پیامدهای مثبت

رشد سرمایه فرهنگی: مطلعان کلیدی پیامدهای مثبت پدیده تکرار زبان آموزش علم را رشد سرمایه فرهنگی می‌دانند که به دو دسته رشد سرمایه فرهنگ و زبان ملی و رشد سرمایه فرهنگ بین‌المللی تقسیم می‌شود؛ به بیان دیگر، سرمایه فرهنگی در هر دو بعد بین‌المللی و داخلی رشد خواهد کرد.

تکرار زبان آموزش علم به رشد سرمایه فرهنگ و زبان ملی بدین شرح می‌انجامد: تقویت و گسترش جایگاه زبان فارسی در جهان، معرفی دانش بومی مبتنی بر فرهنگ ایرانی اسلامی به جهان، آشنایی دیگر جوامع با فرهنگ غنی تشیع و توسعه کرسی‌های زبان و فرهنگ فارسی در دیگر کشورها. رشد سرمایه فرهنگ بین‌المللی نیز بدین شرح از دیگر دستاوردها خواهد بود: افزایش همکاری و همبستگی بین‌المللی، آماده سازی دانشجویان بومی برای مشاغل بین‌المللی، تربیت شهروند جهانی برای زندگی مسالمت‌آمیز و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگ بین‌الملل در کشور.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اذعان داشتند که یکی از پیامدهای مثبت تکرار زبان آموزش علم تقویت جایگاه زبان فارسی در جهان خواهد بود. این راهی است که دیگر کشورهای غیرانگلیسی زبان پیموده و توانسته‌اند جایگاه زبان ملی خود را در دنیا تقویت کنند. یکی از خبره‌ها (شماره ۲۲) در این خصوص اذعان داشت: " عرض کردم خیلی فرصت‌های زیادی برای ماست، اگر این دریچه باز شود و دانشجویان خارجی بیایند و بتوانند کلاس‌هایی با زبان انگلیسی داشته باشند، ایرانی‌ها با آنها در تعامل باشند، بعد من حتی فکر می‌کنم آنها بیشتر علاقه‌مند می‌شوند که زبان فارسی را یاد بگیرند و این نتایج خوبی برای کشور و زبان فارسی دارد."

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که از پیامدهای مثبت تکرار زبان آموزش علم، آماده‌سازی دانشجویان بومی برای مشاغل بین‌المللی خواهد بود. در بیشتر کشورهای دنیا که آموزش عالی خود را به سمت بین‌المللی شدن و استفاده از زبان واسط برده‌اند، یکی از پیامدهای مدنظر آماده‌سازی دانشجویان بومی برای مشاغل بین‌المللی بوده است که به این مهم نیز دست یافته‌اند.

یکی از خبره‌ها که از مقامات وزارت علوم (شماره ۱۴) بود، با اذعان به نیاز استفاده از زبان واسط در آموزش افزود: " اگر این کار انجام بشود، بعد از اتمام درس هم هر جای دنیا برود، چون هم زبان را مسلط است و هم علم روز را با کیفیت جهانی یاد گرفته، قطعاً بازار کار هم دارد."

رشد سرمایه اقتصادی: رشد سرمایه اقتصادی از دیگر پیامدهای مثبت این پدیده است که پیامدهای زیر را به دنبال خواهد داشت: درآمدزایی برای دانشگاهها و کشور، ایجاد تناسب در عرضه و تقاضای حوزه آموزش عالی، وابستگی کمتر به بودجه‌های تخصیصی دولتی و وابستگی کمتر به درآمد نفت.

رشد سرمایه علمی: رشد سرمایه علمی در دو حیطة "توسعه توان علمی کشور" و "پیوند و تبادل علمی" از دیگر دستاوردهای مثبت این پدیده خواهد بود. توسعه توان علمی کشور زیرمقولاتی چون تقویت تولیدات علمی و پژوهشی و بالا رفتن کیفیت آن، افزایش توان علمی کنشگران علم در ایران و معرفی به دنیا و تولید دانش روز و علوم نوین را در خود دارد. همچنین پیوند و تبادل علمی نیز دارای زیرمقولاتی بدین شرح است: گسترش مرزهای دانش و افزایش اشتراک یافته‌ها، امکان انتقال تجربه و فناوری از دیگر کشورها و انجام دادن پروژه‌های علمی دانشگاهی به زبانهای خارجی.

رشد سرمایه اجتماعی: رشد سرمایه اجتماعی هم از دیگر دستاوردهای این پدیده خواهد بود که دو مقوله فرعی "چرخه معکوس مهاجرت نخبگان" و "کسب اعتبار و امکان رقابت بین‌المللی" را در خود دارد. چرخه معکوس مهاجرت نخبگان شامل زیرمقولاتی چون کم شدن نرخ مهاجرت نخبگان، بهره‌گیری از توان ایرانیان مقیم خارج و جذب آنها، امکان جذب نخبگان بین‌الملل در داخل و زمینه‌سازی در کشورهای دیگر برای بهره‌گیری از توان ایرانیان است. کسب اعتبار و امکان رقابت بین‌المللی شامل زیرمقولاتی بدین شرح است: کسب هویت و اعتبار بین‌المللی برای دانشگاهها، افزایش ظرفیت جذب استاد و دانشجوی بین‌الملل و افزایش برنامه‌های آموزشی بین‌الملل برای ارتقای علمی.

پیامدهای منفی

برخی از مطلعان کلیدی و مشارکت‌کنندگان در پژوهش معتقد بودند که تکرر زبان آموزش علم پیامد منفی "آسیبهای احتمالی علمی و فرهنگی" را به دنبال خواهد داشت که به چهار زیرمقوله تقسیم می‌شود: ضعف تسلط به زبان موجب تضعیف کیفیت تدریس، عدم پوشش سرفصل‌ها در صورت تسلط کم دانشجوی به زبان خارجی، لطمه دیدن زبان فارسی در نتیجه توجه بیش از حد به زبانهای خارجی و انتقال عناصر منفی فرهنگی و اجتماعی از دیگر جوامع.

برخی از مطلعان و مشارکت‌کنندگان معتقد بودند اگر پدیده تکرر زبان آموزش علم اجرا شود، پیامد منفی آن، این است که ضعف تسلط به زبان موجب تضعیف کیفیت تدریس خواهد شد و اگر دانشجویی تسلط کمی به زبان بین‌الملل داشته باشد، به پایین آمدن میزان فهم و درک درس تخصصی منجر خواهد شد. یکی از مدیران گروهها (شماره ۴) در این خصوص اذعان داشت: "اما در جامعه ما که زبان فقط در حد کلاس است، هیچ‌جا اینپوت داده نمی‌شود. خیلی مشکله که کار را از دانشگاه شروع کنیم و فرض کنیم دانشجویها انگلیسی عالی دارند و می‌توانند با زبان آموزش انگلیسی در مقطع دانشگاه رشته‌ای را بخوانند، فیزیک و ریاضی به انگلیسی بخوانند. با وجودی که زبان علم این دروس انگلیسی است، چطور می‌خواهید جامعه شناسی را به دانشجویی که پیش زمینه ضعیفی در انگلیسی دارد، یاد بدهید؟ اصلاً دانشگاه را ترک می‌کنند!"

برخی دیگر از صاحب‌نظران معتقد بودند که اگر دانشجویان به زبان خارجی مسلط نباشند، موجب کندی روند تدریس می‌شود و سرفصل‌های مد نظر پوشش داده نخواهد شد. یکی از مدیران دانشگاهی (شماره ۵) در این خصوص گفت: " البته، خیلی‌ها دوست دارند انگلیسی باشد، ولی چون پایه خوبی ندارند، پوشش سرفصل امکان‌پذیر نیست".

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از نظر متخصصان و صاحب‌نظران و کشف مدل نشان داد که دستیابی به وضعیت مناسب زبان آموزش علم در جهت بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران با تکرر زبان آموزش علم همراه است و این تکرر موجبات خیزش و ارتقای آموزش عالی و کشور را فراهم خواهد کرد. مدل استخراجی نشان داد که به دلیل نیاز به ارتقا و بهره‌وری آموزشی و پژوهشی، نیاز به بهره‌وری اقتصادی، نیاز به ارتقای تعاملات علمی و تعاملات فرهنگی ضرورت دارد تا از زبان واسطه در آموزش دانشگاهی استفاده شود. بدین منظور نیازمندیم که در دو حیطه سیاستها و قوانین و حیطه اجتماعی و فرهنگی تسهیلات ایجاد و آنها را تعدیل کنیم و با فایز آمدن بر دو چالش بزرگ بین‌المللی‌گرایی و آموزش زبان و بین‌المللی‌ستیزی و هراس فرهنگی مسیر تکرر زبان آموزش علم را فراهم کنیم. این مهم با راهبردهایی در سطح دولت و سیاستگذاران و راهبردهایی در سطح دانشگاه و عاملان اجتماعی موجبات خیزش و ارتقا در آموزش عالی کشور را فراهم می‌کند. نتیجه و پیامد مثبت تکرر زبان آموزش علم در ایران در جهت بین‌المللی شدن به استناد این مدل رشد اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی است و پیامدهای منفی آن آسیبهای احتمالی علمی و فرهنگی است که نیازمند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری دقیق به منظور کاهش این آسیبهای احتمالی است. بررسی راهبردها نشان می‌دهد که تقسیم کار ملی به دو بخش دولت و دانشگاه از الزامات اجرایی شدن است. فرهنگ سازی، راه‌اندازی تشکیلات چابک، ایجاد هماهنگی، تغییر در قوانین و ساختارها، ایجاد آگاهی و انگیزه پیشنهاد می‌شود که راهبردهای هر مقوله به شرح زیر است:

فرهنگ‌سازی: مهار هراس فرهنگی از بین‌المللی شدن، ایجاد احساس امنیت و مهار ایران‌هراسی در خارج از مرزها، پذیرش امکان اندک دریافت و انتقال تمام علوم با زبان فارسی، شناساندن بزرگان فرهنگ و ادب فارسی برای رشد هویت و غنی سازی فرهنگی و پذیرش تداخل واژگان زبانها در حوزه علم. راه‌اندازی تشکیلات چابک: انجام دادن تبلیغات گسترده (طراحی سایت، کاتالوگ و ...) به زبانهای بین‌المللی برای جذب افراد، تأسیس شورای امور بین‌الملل میان دانشگاهها و آموزش مستمر مدیران و کارکنان حوزه، استفاده از ظرفیت دانشگاههای غیردولتی و خصوصی و تشکیل نظام جامع اطلاعاتی از ظرفیتهای و توانمندی‌های دانشگاههای داخلی.

ایجاد هماهنگی: انتخاب دانشگاهها و رشته‌هایی برای اجرای پایلوت، ایجاد هماهنگی بین سازمانها و نهادهای مرتبط برای تسهیل خدمات و همکاری (صدور روایت و ...)، اخذ توافق سیاستهای کلی نظام

آموزش و حمایت همه نهادها، ایجاد تعادل میان حفظ هویت ملی و ارتباطات بین‌المللی، پایه‌گذاری اصولی و پیشبرد و اجرای گام به گام اهداف و انتقال تجربه‌های عملکرد به مدیران و تصمیم‌گیران بعدی. تغییر در قوانین و ساختارها: تغییر و اصلاح قانون انحصاری بودن زبان آموزش کشور، استقرار و اجرای نظام آموزشی چندزبانه، تبیین هدف، چشم‌انداز و نقشه راه با لحاظ ساختن پیامدهای ناشی از اجراء، وضع قوانین و اصلاح مقررات برای تسهیل امور، تصمیم‌گیری برای زبان آموزش علم با توجه به رشته‌های تخصصی، تمرکززدایی و رعایت اصل استقلال و محوریت دانشگاهها، تشکیل ساختارها و سازکار مورد نیاز، سیاستگذاری و تدوین سناریوهای سیاستی توسط خبره‌ها، ایجاد دیپلماسی علم، تبیین بین‌المللی شدن در خطمشی و سیاست دانشگاهها و ثبات در برنامه‌ها و ممانعت از تصمیمات دوره‌ای. آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه: آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه از نبود تعارض بین بقای زبان فارسی و استفاده از زبان بین‌الملل، ایجاد احساس نیاز به یادگیری زبان به‌عنوان ابزار علم، استقرار نظام انگیزشی و تشویقی برای دانشگاههای موفق در بین‌المللی شدن و تکثر زبان و افزایش انگیزه و تعهد علمی در میان جامعه دانشگاهی.

در سطح دانشگاه و عاملان اجتماعی نیز راهبردهای بستر سازی، تاکتیکیها و تکنیکهای آموزشی و گسترش تعاملات بین‌المللی به شرح زیر است:

بسترسازی: به‌کارگیری زبان واسط در سطوح دانشگاههایی با قابلیت بین‌المللی شدن (شروع از مقطع دکتری)، آمایش و بررسی مقاطع و رشته‌های پرمقتضای برای استفاده از زبان واسط، کسب و ایجاد مرجعیت علمی در برخی علوم با هدف ترویج زبان ملی، تخصیص سرمایه مالی و پشتیبانی لازم و توجه ویژه و سیاستگذاری خاص در حوزه بین‌المللی شدن و آموزش زبان.

تاکتیکیها و تکنیکهای آموزشی: تبیین مرزهای ضرورت و نیاز به استفاده از زبان واسط در آموزش علم، تعیین دوره‌ها و تقویت زبان بین‌الملل استادان رشته‌های تخصصی؛ تسلط دانشجویان متقاضی به مهارت‌های زبانی و الزام به ارائه مدرک معتبر، تبیین آموزش روشمند و منسجم زبان از مدارس، استفاده از روشهای زبان آموزی کارآمد و متناسب با هدف، استفاده بهینه از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی برای آموزش زبان، ایجاد نظام انگیزشی و تشویقی برای تسلط به زبان بین‌الملل، استقرار تجهیزات کمک آموزشی و ابزار زبان آموزی، ادامه روند زبان آموزی مدارس با ارائه واحدهای متناسب در دانشگاهها، راه‌اندازی نظام کارآمد آموزش زبان فارسی برای دانشجویان بین‌الملل و تدوین آزمونهای استاندارد برای سطح بندی و ارائه مدرک فارسی آموزی.

گسترش تعاملات بین‌المللی: برگزاری دوره‌های مشترک بین دانشگاههای ایران و خارج، اخذ قرارداد برای جذب گروهی دانشجویان با کشورهای همسایه، تسهیل و تقویت تعامل و تبادل دانشگاهها با کشورهای فارسی زبان، ارائه خدمات بیشتر به‌منظور رقابت در عرصه بین‌الملل، افزایش اعتبار بین‌المللی به مدارک دانشگاهی ایران، استفاده از تجربه کشورهای پیشرو غیر انگلیسی زبان و پیوستن به اتحادیه دانشگاههای جهان و برقراری اجلاس و مکاتبات.

راهبردهای یافته شده در این پژوهش با نظریه رهبری تحول گرین (Green, 2007) مطابقت دارد. در این نظریه که معادله تحول نام دارد، ایجاد احساس ضرورت و فوریت برای تحول اولویت دارد و برای این منظور باید دلایل محکم و قانع کننده‌ای برای ذینفعان داشته باشیم. گرین معتقد است که بدون شفافیت در چشم‌انداز و رسالت کار، تغییر ممکن است پس از آغاز کار دچار انحراف شود. بنابراین، در راهبردها باید به این ظرفیتها و مهارتها توجه ویژه‌ای بشود. از نظر گرین ابتدا لازم است به‌عنوان گامهای اولیه قابل اجرا در تحول، نمونه‌هایی را به شکل پایلوت اجرا کنیم و پس از اطمینان از درستی مراحل اجرا و کسب پیروزی کوتاه مدت به دنبال توسعه باشیم. در این نظریه مجموع عوامل مذکور باید بزرگ‌تر از مقاومت در برابر تحول باشد. گرین به نقل از شین (Schein, 2002) دو دلیل را برای مقاومت در برابر تحول می‌داند: نگرانی از بقا و نگرانی از یادگیری روش جدید.

بنابراین، با توجه به همخوانی یافته‌های این پژوهش با نظریه رهبری تحول مایک گرین، به‌منظور کم کردن مقاومت در برابر تحول از تاکتیکها و تکنیکهای آموزشی، ایجاد هماهنگی، راه‌اندازی تشکیلات چابک و بسترسازی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که نیازمند ایجاد احساس آگاهی و نیاز هستیم و باید ظرفیتها و قابلیت‌های دانشگاهها و دانشکده‌ها را بسنجیم و پس از آمایش و بررسی رشته‌ها و مقاطع پرمقتضای، دانشگاهها و دانشکده‌هایی را به‌عنوان پایلوت انتخاب کنیم و تکثر زبان آموزش علم در جهت بین‌المللی شدن را در چشم‌انداز، رسالت و اهداف آن دانشگاه و دانشکده به‌طور شفاف بگنجانیم.

در این مسیر می‌توان از تجارب کشورهای پیشرو برای کم کردن مقاومت در برابر تحول بهره برد. برای مثال، در کشور اسپانیا برای بالابردن سطح زبان انگلیسی استادان دانشگاه دوره‌های بلندمدت برای بالابردن مهارت‌های زبانی و تدریس افراد برگزار می‌شود. دوره‌های ضمن خدمت دیگری نیز به‌منظور ارتقای روش تدریس، سطح زبان و تلفظ استادان ارائه می‌شود (Doiz, Lasagabaster & Sierra, 2013).

همچنین یافته پژوهش حاضر با نظر ایری و همکاران (Airey, Lauridsen, Rasanen, Salo & Schwach, 2015) هماهنگ است که تصدیق می‌کنند سیاستهای زبانی دانشگاهها باید توسط دانشکده‌های مختلف اتخاذ شود و تصمیم‌گیری باید در جهت اهداف گروهها در آن رشته خاص باشد؛ به بیانی دیگر، سیاستهای زبانی دانشگاهها نیز با توجه به تمایزات رشته‌های مختلف باید منعطف باشد که کیپرپاتریک (Kirkpatrick, 2011 a) نیز پیشنهاد می‌کند برای حفظ زبان ملی هر کشور باید آموزش عالی کشورهای آسیایی یک سیاست مشترک دو یا چندزبانه را پیش گیرند تا اهمیت زبان ملی‌شان در کنار زبان انگلیسی حفظ می‌شود.

پیامدهای مثبت پژوهش حاضر با نتایج برخی از تحقیقات (Maiworm & Wächter, 2002; Wächter & Maiworm, 2008; Dearden, 2014; Macaro, 2013; Hellekjaer & Westergaard, 2003) همخوان است. پیامدهای منفی نیز با برخی دیگر از پژوهشها (Erkin, 2013; Klaassen, 2001; Airey et al., 2015; Hincks, 2010; Shaw & McMillion, 2008) همسویی دارد. از آنجا که با بین‌المللی شدن ورود به صحنه رقابت بین‌المللی آغاز

می‌شود، توجه به قاعده منطقی و عرف معمول دنیا در شرایط غیرانحصاری و رقابتی اهمیت دارد. بدین منظور برای جذب بازار بین‌الملل باید خدمات آموزشی ما از نظر کیفیت، خدمات، شهریه و... مشابه و خیلی نزدیک یا حتی برتر از رقبای دیگر باشد؛ یعنی اگر قصد بین‌المللی‌شدن آموزش عالی ایران جدی است، توجه به رشد در شاخصهای بین‌المللی که به‌منظور رتبه‌بندی دانشگاههای دنیا انجام می‌شود، ضروری است که اصغرزاده و همکاران (Asgharzadeh & Khorasani, 2016) در پژوهش خود نشان دادند پایین‌ترین امتیاز تمام دانشگاههای ایران در شاخص چشم‌انداز بین‌المللی است. همچنین در شاخصهایی چون تعداد دانشگاههای با رتبه زیر ۱۰۰ جهان، میزان ارجاع به مقالات منتشر شده، تعداد مقالات و اچ‌ایندکس آنها نیز طبق آمار مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وضعیت ایران تا کسب شرایط مطلوب فاصله دارد. این درحالی است که نگاهی به کشور همسایه ما ترکیه نشان می‌دهد با وجودی که تعداد دانشگاههای آن طبق مرجع معتبر وبومتریک یک سوم ایران است و از نظر دانشگاههای معتبر و تعداد مقالات و ارجاعات شبیه ایران است، اما میزان جذب دانشجوی بین‌الملل آن پنج برابر ایران است که یکی از دلایل مهم آن افزایش ارائه رشته‌ها در این کشور با زبان واسط بوده است؛ یعنی در حالی که در ایران هیچ رشته‌ای با زبان واسط ارائه نمی‌شود، در کشور همسایه ما ترکیه در سال ۲۰۱۳ قریب به ۵۰۰ رشته/محل در مقطع تحصیلات تکمیلی با زبان واسط انگلیسی ارائه شده است (Brenn-White & Faethe, 2013).

نکته قابل تأمل دیگر این است که شاید قبول نشدن در کنکور یکی از دلایلی باشد که در سالهای گذشته دانشجویان ایرانی به‌منظور ادامه تحصیل به کشورهای دیگر و حتی با اعتبار کمتر از دانشگاههای ایران (ارمنستان، ترکیه، مالزی و...) می‌رفتند، اما اکنون تقریباً برای تمام شرکت‌کنندگان در کنکور امکان پذیرش وجود دارد و حتی به دلیل رشد کمی در آموزش عالی با معضل صندلی خالی نیز مواجه هستیم. با وجود این، گزارشهای یونسکو نشان می‌دهد که هنوز هم جزو ده کشور اول دنیا از نظر نرخ مهاجرت دانشجویی هستیم و مهاجران کنونی دانشجویانی هستند که به دنبال کیفیت آموزش دانشگاهی و خواهان آماده شدن برای زندگی و شغل در دنیای جهانی شده هستند. این مهم در آموزش عالی ایران مغفول واقع شده و هنوز برنامه دقیق و مدونی در این خصوص ارائه و اجرا نشده است. امید که در راستای اجرای برنامه ششم توسعه و برنامه بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران، به عامل و نقش زبان آموزش علم به‌عنوان کاتالیزوری برای بین‌المللی شدن آموزش عالی توجه ویژه و موانع قانونی و اجرایی آن برطرف شود. زیرا اگر به بین‌المللی شدن به‌عنوان پدیده‌ای بنگریم که ناچار به اجرای آن هستیم، زیرا کشورهای دیگر در حال اجرای آن هستند، در آن صورت نقش مفعول خواهیم داشت و دستاوردهای آن مشکلات جامعه ما را حل نخواهد کرد. اما اگر هدفمند و به‌عنوان کنشگر فعال وارد بازی شویم، با فراهم کردن موقعیت برد-برد برای کشورمان از یک سو افزایش جذب دانشجوی بین‌الملل، تعاملات علمی و فرهنگی، گسترش زبان و فرهنگ فارسی در جهان و کسب استقلال مالی برای دانشگاهها و از سوی دیگر، تسلط کنشگران علم ایرانی به زبان بین‌الملل و در نتیجه، پیوند با یافته‌های علم جهان و بهبود کیفیت آموزش و پژوهش در

ایران مطابق استانداردهای دنیا و با منابع و موضوعات روز و کسب زمینه‌های اشتغال دانش‌آموختگان در بازار بین‌الملل را فراهم خواهیم کرد.

پیشنهادها

۱. استفاده از مدل استخراج شده نیازمند پیش‌بایسته‌هایی برای اجرایی شدن آن به قرار زیر است:
۱. شناسایی دانشگاه‌های با ظرفیت و قابلیت در کشور برای بین‌المللی شدن و استفاده از زبان واسط؛
۲. شناسایی و آمایش رشته‌های پرمقتاضی و جذاب برای دانشجویان بین‌الملل؛
۳. تصویرسازی و ایجاد چشم‌انداز، تصویرسازی مشترک و بین‌الادھانی برای تکثر زبان آموزش علم؛
۴. رفع موانع قانونی در استفاده از زبان واسط در آموزش این دانشگاهها؛
۵. نهادینه کردن تکثر زبان آموزش علم در جهت بین‌المللی شدن؛
۶. تعیین عامل اصلی (actor) برای رهبری و هدایت فرایند اجرا؛
۷. شبکه‌سازی به‌منظور گفتمان و ایجاد حس همکاری و مشارکت وسیع در قشرهای دانشگاهی؛
۸. راه‌اندازی مرکزی برای تربیت و تأیید صلاحیت و شایستگی‌های مهارت‌های زبانی مدرسان؛
۹. تشکیل شبکه‌ها و دوره‌های آنلاین و مجازی گسترده و نظام‌مند به‌منظور سهولت در یادگیری زبان بین‌الملل برای استادان و دانشجویان؛
۱۰. ایجاد مشوق‌های لازم به‌منظور تقویت زبان بین‌الملل در برنامه ارتقای استادان (ضریب حقوقی)؛
۱۱. ایجاد هماهنگی و تعامل بین سازمانها و نهادها؛
۱۲. گرفتن بازخورد و استفاده از نظرهای راهبردی؛
۱۳. تأمین منابع مالی؛
۱۴. به رسمیت شناختن استقلال دانشگاهها در جذب دانشجوی بین‌الملل و تفویض اختیار؛
۱۵. تشکیل کنسرسیوم بین دانشگاههای داخلی و خارجی؛
۱۶. تعهد برای اجرا و گشودگی در ساختار؛
۱۷. تهیه مقاله سفید به‌عنوان راهنمای تکثر زبان آموزش در جهت بین‌المللی شدن؛
۱۸. تخفیف در شهریه دانشجویان بین‌الملل مشتاق به یادگیری زبان فارسی.

References

1. Airey, J., Lauridsen, K. M., Räsänen, A., Salö, L., & Schwach, V. (2015). The expansion of English-medium instruction in the Nordic countries: Can top-down university language policies encourage bottom-up disciplinary literacy goals? *Higher Education*.
2. Altbach, P. G., & Teichler, U. (2001). *Internationalization and exchanges in a globalized university*. Sage Publications.

3. Ammon, U., & McConnell, G. (2002). *English as an academic language in Europe*. P. Lang Publisher.
4. Asgharzadeh, N., & Khorasani, A. (2016). The role of English language as a medium of instruction in internationalisation of higher education: A comparative study in Europe. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22 (3), 89-111. Retrieved from <http://journal.irphe.ir/article-1-3064-fa.html&sw> (in Persian).
5. Asgharzadeh, N., Khorasani, A., & Farasatkah, M. (2017). Consequences of internationalisation and using Farsi as the only language of instruction in Iran's higher education system; Content Analysis. *Quarterly Scientific-Research Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 9 (17), 159-179. Retrieved from <http://mpes.sbu.ac.ir/article/view/14388/6282> (in Persian).
6. Brenn-White, M., & Faethe, E. (2013). *English-taught master's programs in Europe: A 2013 update*. New York: Institute of International Education.
7. Brumfit, C. (2004). Language and higher education: Two current challenges. *Arts and Humanities in Higher Education*, 3(2), 163-173.
8. Creswell, J.W. (2012). *Grounded theory designs. Educational Research-Planning, Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. (J.W. Creswell, Ed.). Boston: Pearson Education.
9. Coleman, J.A. (2006). English-medium teaching in European higher education. *Language Teaching*, 39(01), 1-14.
10. Crystal, D. (2000). Emerging English. *English Teaching Professional*, 14(January).
11. Crystal, D. (2003 a). *English as a global language (2nd Ed.)*. Cambridge, UK, New York: Cambridge University Press.
12. Dearden, J. (2014 a). English as a medium of instruction- a growing global phenomenon: phase 1: Interim report: British Council.
13. Doiz, A., Lasagabaster, D., & Sierra, J. (2013). *English-medium instruction at universities: Global challenges*. Multilingual Matters.
14. Erkin Arkin, I. (2013). English-medium instruction in higher education: A case study in a Turkish University context. (Doctoral dissertation). Gazimaguse, North Cyprus.

15. Farasatkah, M. (2014). Higher education systems and needs for the intelligence of quality. The Second National Conference on Assessment and Quality of University Systems. Tehran (in Persian).
16. Farasatkah, M. (2016). The qualitative methodology: Grounded theory. Agah Publication (in Persian).
17. Farrell, D., & Grant, A. (2005). *Addressing China's looming talent shortage*. McKinsey Global Institute.
18. Graddol, D. (1997). *The future of English: A guide to forecasting the popularity of the English language in the 21st century*. The English Company (UK) Ltd.
19. Green, M. (2007). *Change management masterclass: A step-by-step guide to successful change management*. London: Kogan Page.
20. Haberland, H. (2009). *English- the language of globalism*. Rask.
21. Haberland, H. (2011). Ownership and maintenance of a language in transnational use: Should we leave our lingua franca alone? *Journal of Pragmatics*, 43(4), 937-949.
22. Hellekjaer, G.O., & Westergaard, M. (2003). *An exploratory survey of content learning through English at Nordic universities*. Charles van Leeuwen & Robert Wilkinson, 65-80.
23. Hénard, F., Diamond, L., & Roseveare, D. (2012). *Approaches to internationalization and their implications for strategic management and institutional practice*. New York: OECD Higher Education Program.
24. Hincks, R. (2010). Speaking rate and information content in English Lingua Franca oral presentations. *English for Specific Purposes*, 29(1), 4-18.
25. Hudzik, J. K. (2011). *Comprehensive internationalization: From concept to action*. NAFSA, Retrieved from www.nafsa.org/cizn.
26. Hudzik, J.K. (2013). *Changing paradigm and practice for higher education internationalization*. An introduction to higher education internationalization (De Wit, Ed.). Milano: V & P.
27. Kirkpatrick, A. (2011a). *Internationalization or englishization: Medium of instruction in today's universities*. Hong Knong Institute of Education.
28. Kirkpatrick, A. (2011b). *Internationalization or englishization? Medium of instruction in today's universities*. Centre for Governance and

- Citizenship Working Paper Series 2011/003. Hong Kong: Institute of Education.
29. Knight, J., & Wit, H.D. (1997). Internationalization of higher education in Asia Pacific countries. Amsterdam, the Netherlands: European Association for International Education, in cooperation with IDP Education Australia and the Program on Institutional Management in Higher Education of the Organization for Economic Cooperation and Development.
30. Klaassen, R. G. (2001). The international university curriculum: Challenges in English-medium engineering education. (Doctoral dissertation). Delft, the Netherlands.
31. Lincoln, Y.S., & Guba, E.G. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *American Journal of Evaluation*, 15(2), 179-192.
32. Macaro, E. (Ed.) (2013). *Defining and researching English medium of instruction: The need for clear thinking and a clear research agenda*. British Council.
33. Maiworm, F., & Wächter, B. (2002). English-language-taught degree programs in European higher education: Trends and success factors. ACA papers on international cooperation in education. Bonn: Lemmens.
34. Mehrad, J. (2010). *Problems of internationalisation for Iranian universities*. Mehr Press.
35. Shaw, P., & McMillan, A. (2008). Proficiency effects and compensation in advanced second-language reading. *Nordic Journal of English Studies*, 7(3), 123-143.
36. Strauss, A.L., & Corbin, J.M. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd Ed.)*. Thousand Oaks: SAGE Publications.
37. The European Commission (2013). European higher education in the world. Communication from the Commission to the European Parliament, the Council, The European Economic and Social Committee and Committee of the regions, Com (2013), 499.
38. The European Higher Education Area in 2015: Bologna process implementation report. Brussels.

39. Wächter, B., & Maiworm, F. (2008). English taught programmes in European higher education: The picture in 2007. ACA papers on international cooperation in education. Bonn: Lemmens.
40. Wächter, B., & Maiworm, F. (2014). English-taught programmes in European higher education: The state of play in 2014. ACA papers on international cooperation in education. Bonn: Lemmens.
41. www.weforum.org/agenda/2010/07/which-countries-are-the-top-destinations-for-foreign-students
42. www.English Proficiency Index: www.ef.co.uk/epi